

چیستی، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های واژگان مشترک معنوی در قرآن کریم

مریم گوهری^۱، قاسم فائز^{۲*}

- ۱- دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۲- استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۳

چکیده

معانی الفاظ در قرآن، همواره مورد توجه قرآن پژوهان بوده است. یک نوع از الفاظ قرآن، مشترک معنوی است که با وجود برخورداری از بسامد بالا در قرآن، چندان مورد توجه لغت پژوهان قرآنی قرار نگرفته است؛ به همین دلیل با پدیده‌های زبان‌شناختی، چون مشترک لفظی و چندمعنایی خلط شده است. از این رو، این پژوهش با هدف تبیینی جدید، چیستی، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های اشتراک معنوی را با روش توصیفی-تحلیلی، در قرآن کریم مورد بررسی و واکاوی قرار داده و به این نتایج دست یافته است: اشتراک معنوی، صدق یک مفهوم کلی بر مصادیق فراوان است که گرچه در یک معنای کلی مشترک هستند، ولی هریک ویژگی‌هایی دارند که دیگری فاقد آن است. مؤلفه‌های مشترک معنوی عبارتند از: کلی و عام بودن معنا، وحدت معنا، حقیقی بودن معنا، جامعیت معنا، وضع واحد، تعدد مصادیق و تمایز مصادیق. اهم ویژگی‌های آن عبارتند از: وضع واحد، قابلیت انقسام به کلی و جزئی، قابل حمل بودن بر افراد خود و قابل صدق بر مصادیق فراوان.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، اشتراک معنوی، چندمعنایی، قدر مشترک، زبان‌شناختی

۱- مقدمه

۱-۱- بیان مسئله

قرآن، کتاب هدایت بشر و وسیله تقرب به خداست؛ از این رو همگان باید از مضامین بلند آن آگاه گردند و تنها راه نیل به این هدف، فهم دقیق آن است که آن هم در گرو درک معنای واژگان آن می‌باشد. بخش قابل ملاحظه‌ای از الفاظ قرآن، واژگان مشترک معنوی هستند. ناهماهنگی در تک معنا یا چند معنا شمردن الفاظ مشترک معنوی و نیز عدم وجود تفکیک بین این پدیده با پدیده‌هایی چون چندمعنایی و اشتراک لفظی، اولاً موجب بروز خلط بین واژگان مشترک معنوی، مشترک لفظی، چندمعنایی، مجاز و استعاره شده و در بسیاری از موارد، مصادیق یک واژه، به عنوان معانی آن در نظر گرفته می‌شود؛ ثانیاً بین معنای تصویری با معنای مصداقی نیز خلط صورت گرفته است.

از این رو، پژوهش حاضر پس از تبیین چیستی اشتراک لفظی، چندمعنایی و وجوه نظائر، به بررسی و تحلیل تعاریف اشتراک معنوی پرداخته و پس از تحلیل و نقد تعاریف موجود، تعریفی کامل و واضح از اشتراک معنوی ارائه داده و مؤلفه‌ها و ویژگی‌های این پدیده زبانی را نیز بیان کرده است.

۱-۲- سوالات پژوهش

بر اساس آن چه ذکر شد، این پژوهش در صدد پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. حقیقت اشتراک معنوی چیست؟
۲. اشتراک معنوی چه مؤلفه‌هایی دارد؟
۳. واژگان مشترک معنوی از چه ویژگی‌هایی برخوردارند؟

۱-۳- پیشینه تحقیق

با جستجوی گسترده در منابع متعدد، تحقیقی که به چیستی اشتراک معنوی، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های آن پرداخته باشد، مشاهده نشد. در بخش الفاظ، در کتب منطق و اصول فقه، صرفاً تعاریفی اجمالی از مشترک معنوی مشاهده می‌شود.

احدیان، در پایان نامه «بررسی اشتراک لفظی و معنوی در اسماء و صفات الهی در آیات و روایات» (۱۳۸۸)، به اثبات مشترک معنوی بودن وجود و سپس تسری دادن اشتراک معنوی صفت وجود به سایر صفات و اسماء الهی پرداخته است.

سالمی، در پایان‌نامه خود با عنوان «نقش سیاق و اشتراک معنوی در وجوه واژگان گناه» (۱۳۹۰)، در راستای بیان نقش وجوه و اشتراک معنایی در وجوه واژگان گناه با توجه به سیاق‌های مختلف، هشت واژه گناه را بررسی کرده است.

حیدری نیز، در پایان‌نامه «نقش اشتراک معنوی و سیاق در بررسی وجوه معنایی واژگان نور» (۱۳۹۱)، که بر اساس بحث اشتراک معنوی و سیاق، وجوه معنایی واژه‌های نور، مصباح، ضیاء و سراج تبیین گردیده، به اثبات تفاوت بار معنایی مفهوم نور در آیات مختلف پرداخته است.

همچنین محمدی، در پایان‌نامه «اشتراک لفظی و معنوی در گزیده‌ای از آیات قرآن کریم» (۱۳۹۴)، با هدف شناخت وجوه مختلف کلمات دارای اشتراک در قرآن و تطبیق آراء مختلف در مورد این وجوه، اشتراک لفظی و معنوی تعدادی از واژگان قرآن را بررسی نموده است.

شاملی، در مقاله «نظرگاه ملاصدرا در به کارگیری اسلوب اشتراک معنوی در تفسیر واژگان کلیدی قرآن کریم» (۱۳۸۵)، با توجه به شیوه ملاصدرا در بهره‌گیری از اشتراک معنوی، معنای واژگان مشترک معنوی قرآن را حقیقی می‌داند، نه مجاز و استعاره. پرچم، در مقاله «نقش و کارکرد اشتراک معنوی و بافت در نگاه تفسیری علامه طباطبایی» (۱۳۸۴)، با اشاره به این که اشتراک معنوی از مقوله چندمعنایی زبان‌شناسی است

و با توجه به شناخت عمیق علامه طباطبایی نسبت به واژگان قرآنی و اشراف ایشان بر سیاق آیات، بهره‌گیری از اشتراک معنوی در تفسیر را بررسی کرده است.

پرچم و شاملی نیز، در مقاله «دیدگاه قرآن‌پژوهان درباره اشتراک لفظی و معنوی در قرآن و واژگان وجوه و نظایر» (۱۳۸۶)، به بررسی دیدگاه قرآن‌پژوهان اهل سنت و شیعه در حوزه وجوه و نظائر اهتمام ورزیده‌اند.

جلیلیان و حسینی بناب، در مقاله «بررسی واژه‌های مشترک معنوی مربوط به گناه در قرآن کریم و روایات» (۱۳۹۳)، نقش اشتراک معنایی در واژگان مربوط به گناه را تبیین نموده‌اند.

فائز و گوهری، در مقاله «نقش مشترک معنوی در ترجمه صحیح قرآن کریم» (۱۳۹۸)، نقش واژگان مشترک معنوی در ترجمه قرآن را بیان نموده و عملکرد تعدادی از مترجمان قرآن در این زمینه را نقد و بررسی کرده‌اند.

۲- مفاهیم نظری پژوهش

مفاهیم نظری پژوهش که شامل تعاریف ضروری است، عبارتند از:

۲-۱- تصور

تصور به دو گونه است: مفهوم و مصداق (خوانساری، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۲۲).

۲-۲- مفهوم

مفهوم، تصویر حقایق اشیاء است که در ذهن تصور می‌شود (مظفر، ۱۳۸۱: ۷۳). به عبارت

دیگر تصویر مصداق، در ذهن است (صفوی، ۱۳۹۰: ۶۱).

در علم منطق، الفاظ از لحاظ معنا و مفهوم دو نوع هستند: مختص و غیرمختص.

لفظ مختص، لفظی است که فقط یک معنا دارد؛ مانند چوب و لفظ غیرمختص، لفظی

است که بر بیش از یک معنا دلالت دارد؛ مثل شیر (مظفر، ۱۳۸۱: ۴۷).

الفاظ تک معنا از لحاظ مفهوم بر دو قسم‌اند: جزئی و کلی.

اگر مفهوم لفظ تنها بر یک فرد دلالت کند، جزئی نامیده می‌شود؛ مانند: لفظ «زید»؛ اما اگر مفهوم لفظ، قابلیت صدق بر افراد بسیار داشته باشد، کلی است؛ مانند: مفهوم انسان، سیب و سنگ (تفتازانی، ۱۳۶۴: ۵۵؛ مظفر، ۱۳۸۱: ۶۸). مفهوم کلی، ممکن است دارای مصادیق کلی کوچکتر باشد؛ مثل حیوان که دارای مصادیق کلی کوچکتر، مثل اسب و پرنده است که به هریک از آن‌ها مفهوم جزئی اضافی (نسبی) گویند (تفتازانی، ۱۳۶۴: ۷۱)؛ از این رو، مفهوم جزئی بر دو قسم است: جزئی حقیقی؛ مثل زید که مصداق انسان است و جزئی اضافی (نسبی)؛ مثل اسب که مصداق حیوان است.

۲-۳- مصداق

مصداق، چیزی است که مفهوم بر آن منطبق می‌شود یا حقیقت آن چیزی است که صورت ذهنی از آن انتزاع می‌شود (مظفر، ۱۳۸۱: ۶۸). به عبارت دیگر، مصداق، چیزی است که لفظ برای اشاره به آن به کار می‌رود (صفوی، ۱۳۹۰: ۶۱)؛ بنابراین، صورت ذهنی شخصی که نامش محمد است، یک مفهوم (جزئی) است و خود شخص که خارجی و حقیقی است، مصداق این مفهوم است و صورت ذهنی معنای «حیوان» یک مفهوم (کلی) است و افراد خارجی آن و نیز مفاهیم کلی که در آن مندرج می‌شوند؛ مانند انسان، اسب و پرنده، همگی مصادیق آن مفهوم به شمار می‌روند (مظفر، ۱۳۸۱: ۶۸). مصداق حیوان، هم بر مصادیق عینی خارجی آن و هم بر مفاهیم کلی مانند انسان، اسب و پرنده صدق می‌کند؛ از این رو، مصداق، لزوماً وجود عینی خارجی در مقابل مفهوم، یعنی وجود ذهنی نیست؛ بلکه شامل مفاهیم فراگیری که مفاهیم کلی دیگری را در بر می‌گیرد نیز، می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۱). رابطه مفهوم کلی و مفهوم جزئی اضافی، رابطه شمول معنایی است [۱].

۲-۴- مشترک لفظی

«مشترک لفظی»، در میان سخنان قدما بدون هیچ قید و شرطی بر اتحاد لفظ و تعدد معانی استوار بوده است (سالم، ۱۹۹۴: ۱۹). سیبویه، آن را «اتفاق اللفظین و اختلاف المعنیین»

تعریف کرد (۱۹۸۸، ج ۱: ۱۵) و ابن فارس، آن را لفظی دانست که بر دو معنا یا بیش‌تر دلالت می‌کند (۱۴۱۴: ۲۰۷). در زبان‌شناسی، به آن الفاظ متشابه، هم‌آوا-هم‌نویس یا هم‌نام گفته می‌شود که در برهه‌ای از تاریخ زبان به عللی همچون وام‌گیری، با آوا و نویسه مشابه کنار هم قرار گرفته‌اند (Saeed, J.I. 2003: 63)؛ مانند «خال» که هم بر دایی و هم بر خال روی صورت یا بدن اطلاق می‌شود و نیز «نوی» که بر دوری و بر جمع «نوا» یعنی هسته‌ها اطلاق می‌گردد و رابطه‌ای میان معانی‌شان وجود ندارد (فائز، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

«شیر» در زبان فارسی که به سه معنای «مایع خوراکی»، «نام حیوانی درنده» و «ابزار باز و بسته کردن لوله» به کار می‌رود، مشترک لفظی است (امامی، ۲۰۱۶: ۹۴).

۲-۵- چندمعنایی

با توجه به قراردادی بودن رابطه میان صورت و معنا، هر واژه در ابتدا فقط برای یک معنا وضع شده؛ از این رو، هر واژه‌ای که امروز چند معناست، روزگاری تنها یک معنا داشته ولی گاهی موقعیت‌هایی در زبان به وجود می‌آید که منجر به دلالت الفاظ متعدد بر یک معنی (ترادف) یا دلالت یک لفظ بر معانی متعدد (چندمعنایی) می‌گردد (سیبویه، ۱۹۸۸، ج ۱: ۷).

چندمعنایی^[۲] در زبان‌شناسی اسلامی به پنج صورت تعریف شده است:

اول: لفظ چندمعنا، در میان قدما وجوه و نظائر نامیده می‌شد (نکونام، ۱۳۹۰: ۲۲۹) که

اعم از مشترک لفظی، مشترک معنوی، حقیقت، مجاز و کنایه است.

دوم: لفظ چندمعنا، همان مشترک لفظی است (همان: ۲۲۷).

سوم: یک واژه مشترک لفظی در جمله یا متن مشخصی حامل همه معانی خود باشد که در اصول فقه از آن به «استعمال لفظ در بیش از یک معنا» یا «حمل لفظ مشترک بر همه معانی‌اش» تعبیر می‌شود (خراسانی، ۱۴۰۹: ۳۵).

این پدیده در زبان‌شناسی، «دلالت چندگانه» نام دارد (صفوی، ۱۳۹۰: ۲۰۹).

چهارم: برخی، الفاظ مشترک معنوی را به اعتبار اینکه دارای مصادیق فراوان هستند، چندمعنا محسوب می‌کنند و معتقدند که از چندمعنایی در مطالعات اسلامی با تعبیری چون اشتراک معنوی و وجوه معنایی، سخن به میان آمده است (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۶).

پنجم: مراد، معانی ظاهری و باطنی لفظ است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۷۴).

در زبان‌شناسی، در مکتب ساخت‌گرا، چندمعنایی (polysemy)، محصول هم‌نشینی واژه‌هاست و در صورت تغییر بافت هم‌نشین واژه، معنای آن نیز عوض می‌شود؛ در حالیکه مفهوم اصلی واژه را نمی‌توان نادیده گرفت (افراشی و صامت، ۱۳۹۳: ۳۲).

به عنوان مثال، واژه «افتادن»، دارای این مفاهیم است: «دیدن»؛ در جمله «چشمم به او افتاد»، «خطور کردن»؛ در جمله «ترس به دلم افتاد»، «منعکس شدن»؛ در جمله «عکسش توی آینه افتاد» و «رفوزه شدن»؛ در جمله «از آن درس افتاد» و ده‌ها معنای دیگر؛ زیرا در تمام این جملات، تشخیص معنای افتادن، وابسته به بافت زبانی و واحدهایی است که بر روی محور هم‌نشینی در ترکیب با یکدیگر قرار گرفته‌اند. بنابراین، چندمعنایی، شرایطی است که بر حسب رابطه هم‌نشینی، تمامی واحدهای نظام واژگانی زبان خودکار [۳] را شامل می‌شود (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۶) و در نهایت به تحلیل فرآیند مجاز می‌انجامد (صفوی، ۱۳۹۰: ۲۲۹ و ۲۴۳ و ۲۵۰ و ۲۶۷). البته برخی، واژه‌ای را چندمعنا می‌دانند که فی نفسه دارای چند معنی باشد (پالمر، ۱۳۹۱: ۱۱۴).

۶-۲- وجوه و نظائر

در بحث وجوه و نظائر، واژه‌ای، در مواضع مختلف قرآن با یک لفظ و حرکت، ولی در هر جا به معنایی متفاوت آمده است (ابن جوزی، ۱۴۰۴: ۸۳). به لفظ مکرر نظائر و به معنای آن، وجوه گفته می‌شود (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲: ۲۰۰۱). این معانی، شامل مشترک لفظی، معانی مجازی، استعاری، کنایی، مصداقی و اشتقاق صغیر می‌شوند (باقری اصل، ۱۳۹۱: ۳۷).

۳- بحث و تحلیل

۳-۱- چیستی اشتراک معنوی

مباحث مربوط به اشتراک معنوی، به عصر ارسطو برمی‌گردد. ولی اصطلاحات آن نخستین بار در شرح شارحان آثار وی به کار رفته است (محقق و ایزوتسو، ۱۳۵۳: ۶۷). یکی از این اصطلاحات، بحث تشکیک است که یکی از اقسام اشتراک معنوی می‌باشد. مایه اصلی این بحث در رساله طویقای ارسطو (Topica) و شرح اسکندر آفرودسیسی بر آن یافت می‌شود و سپس در آثار ابن سینا (متوفی ۱۰۳۷ م برابر با ۴۲۸ هـ) و بعد از آن در آثار فارابی قابل ملاحظه است (متوفی ۹۵۰ م برابر با ۳۳۹ هـ) (طوسی، ۱۴۰۵: ۶۰-۵۷).

ارسطو، میان واژگان مشترک لفظی و مشکک، تفکیک قائل شد و فارابی نیز جایگاه الفاظ مشکک را در منطق تبیین کرد (علوی، ۱۳۸۳: ۵۴). ابن سینا مشترک معنوی را به «اسم مشترک یقع علی معنی یشترک» تعریف کرده است (ابن سینا، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۵۰) و ملاصدرا (متوفی ۱۶۴۰ م برابر با ۱۰۵۰ هـ) به کرات در اسفار، اصطلاحات اشتراک معنوی و مشترک معنوی را به کار برده است (صدرای شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۱: ۳۱۱؛ ج ۲: ۲۹۶).

۳-۱-۱- تعاریف اشتراک معنوی

به منظور تبیین دقیق چیستی اشتراک معنوی و زدودن ابهام از حقیقت، اهم تعاریف ذکر می‌شود.

الف) واژگان مشترک معنوی، معنای واحدی دارند که اگر آن معنا در همه مصادیق‌شان از لحاظ شدت، ضعف، کمی و زیادی یکسان باشد، آن‌ها را متواطی گویند؛ مثل انسان و اسب که در معنای حیوانیت یکسانند و اگر یکسان نباشند، مشکک هستند (ابن سینا، ۱۳۵۹: ۳؛ فارابی، ۱۹۸۶، ج ۲: ۱۳۴) مثل خورشید و چراغ در مفهوم نورانیت (صدرای شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۴: ۳۵۴-۳۵۲).

ب) مشترک معنوی، لفظی تک‌معناست که بر معنای مشخص متعین دلالت نمی‌کند (خوانساری، ۱۳۷۴، ج ۱: ۷۱) و در ذهن بیش از یک مصداق دارد؛ مثل انسان و درخت (تفتازانی، ۱۳۶۴: ۵۵).

ج) مشترک معنوی، حقیقت واحدی است که در تمام مصداقی‌ش جاری است؛ مثلاً واژه «حب» به معنای تعلق و ارتباط وجودی بین محب و محبوب، مشترک معنوی است و دوست داشتن غذا، مال، جاه و علم از مصداقی آن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۴۰۹).

د) مشترک معنوی، لفظی است با معنای متعدد؛ اما وضع متعدد ندارد و همه مصداقی آن دارای یک معنای جامع و مشترک است؛ مثل واژه «جسم» که بر زمین، انسان و سایر اجسام اطلاق می‌شود؛ زیرا همه این‌ها در معنای جسم بودن مشترکند (فضلی، ۱۴۲۷: ۴۷۲) و نیز حیوان که بین انسان، شیر، اسب و غیره مشترک است؛ بنابراین، مشترک معنوی، همان قدر جامع بین افراد است (ذهنی تهرانی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۸).

ه) برخی از محققان، اشتراک معنوی را همان چندمعنایی می‌دانند (جوهری، ۱۴۱۰: ۱۱؛ شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۶)؛ در حالیکه برخی دیگر، مقصود از چندمعنایی در معناشناسی معاصر را همان اشتراک لفظی در نزد قدما می‌دانند (نیازی و حاجی زاده، ۱۳۸۵: ۷۸).

این ناهماهنگی‌ها و خلط‌ها ناشی از تعاریف غیردقیق پدیده‌های زبان‌شناسی، نظیر اشتراک لفظی، اشتراک معنوی و چندمعنایی است که منجر می‌شود برخی چندمعنایی را معادل اشتراک معنوی و برخی معادل اشتراک لفظی بدانند و حال آن‌که هر دو نادرست است.

و) برخی، کلمات حاصل از اشتقاق صغیر را مشترک معنوی می‌دانند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱: ۱۳)؛ مثل ام، امام، امه که در اصل واحد «ام»، به معنای روی آوردن و توجه ویژه یا قصدی که با توجه خاص همراه باشد، مشترک هستند (همان: ۱۳۵).

قرشی نیز، معتقد است که «ام» مشترک معنوی است و معنی جامع آن، همان اصل و پایه است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۱۴).

باید توجه داشت که مشترک معنوی یعنی مصادیقی که در یک معنای کلی مشترکند ولی اشتقاق صغیر یعنی واژگان متعدد با ساختارهای متفاوت که در یک معنا اشتراک دارند.

۳-۱-۲- مبنای هریک از تعاریف اشتراک معنوی

با مطالعه در تعاریفی که از این پدیده ارائه شد، به نظر می‌رسد که هر اندیشمندی از منظر خاصی به آن نگریسته؛ از این رو مناسب است که مبنای این برداشتها دسته‌بندی شده و سپس تحلیل گردند.

۳-۱-۲-۱- ریشه مشترک (اشتقاق صغیر)

منظور از ریشه مشترک، بحث از مبدأ اشتقاق و اصل واحد در صیغه‌هاست (اشتراک معنوی در ریشه). دلیل این که برخی اشتراک معنوی را اشتقاق صغیر دانسته‌اند، وجود ریشه مشترک در برابر ریشه‌های غیر مشترک است.

۳-۱-۲-۲- چندمعنایی

برخی، مشترک معنوی را معادل چندمعنایی در زبان‌شناسی نوین می‌دانند و دلیل آن را وجود ارتباط بین معانی واژگان چندمعنا در برابر معانی بدون ارتباط در مشترک لفظی بیان می‌کنند در حالی که باید توجه داشت، مراد از معانی مرتبط در بسیاری از موارد، وجود مشابهت یا علاقه‌ای است که به بحث مجاز و استعاره مربوط می‌شود، نه اشتراک معنوی؛ از جمله اینکه گفته شده معانی واژه «عین» نظیر چشم، چشمه به هم مرتبط هستند (رحیمیان، ۱۳۸۹: ۱۸۴). واژه «عین» در زبان‌های سامی بر عضو بینایی حیوان دلالت داشته؛ اما بعدها در زبان عربی به معانی مجازی نظیر چشمه، مال حاضر، جاسوس، گردی سر زانو و دیده‌بان به کار رفت (قدور، ۱۹۹۹: ۲۸۵)؛ اما نمی‌توان عین را به علت ارتباط بین معانی‌اش مشترک معنوی محسوب کرد؛ زیرا در اشتراک معنوی، علاقه و مشابهت مطرح نیست؛ بنابراین، چندمعنایی در زبان‌شناسی نوین با مجاز و استعاره سر و کار دارد.

۳-۱-۲-۳- شمول معنایی (عموم و خصوص مطلق)

مطابق این مبنا که غالباً در اصول فقه و منطق مطرح است، مشترک معنوی، یک مفهوم شامل است که مفاهیم کلی‌تر دیگر را به عنوان زیرشمول در برمی‌گیرد؛ مانند مفهوم حیوان که دارای انواع انسان، پرنده و ... است. پرنده، یک مفهوم کلی است که تمام مصادیق آن تحت مفهوم حیوان قرار می‌گیرد؛ بنابراین، مفهوم حیوان نسبت به پرنده، شمول معنایی دارد.

۳-۱-۲-۴- وجود معنای جامع (قدر مشترک)

در این مبنا که غالباً در تفاسیر و کتب لغت مطرح است، مراد از اشتراک معنوی، لفظی است با یک مفهوم عام که مصادیق آن در همان مفهوم عام شریکند. این مفهوم عام، همان معنای جامع در همه کاربردهای آن واژه است. تلاش برخی از مفسران و علمای لغت به منظور برگرداندن معانی مختلف واژگانی مثل «ذکر»، «هدی»، «رحمه»، «روح»، «کتاب» و غیره به یک معنای جامع در راستای این برداشت است؛ به عنوان مثال ابن قتیبه دینوری، معنای جامع معانی مختلف واژه «هدی» را، «ارشاد کردن» می‌داند (۲۰۱۰، ج ۱: ۲۴۸).

۳-۱-۲-۵- مفهوم و مصداق

صدق، مفهوم واحد بر مصادیق کثیر، یکی از تعاریف اشتراک معنوی است که غالباً در دانش منطق و فلسفه مطرح است. اولاً مشترک معنوی، یک مفهوم کلی در ذهن با مصادیق فراوان در خارج است و ثانیاً تمام حقیقت مفهوم در مصادیق آن وجود دارد که در نتیجه مصادیق نیز در حقیقت معنایی خود با هم مشترکند و تفاوت‌شان تنها در عَرَض [۴] است؛ مانند زید و خالد که در حقیقت انسانیت، مشترکند.

۳-۱-۳- نقد و بررسی تعاریف و مبانی اشتراک معنوی

پنج تعریف و مبانی اشتراک معنوی به شرح زیر قابل نقد و بررسی است:

۳-۱-۳-۱- بنای ریشه مشترک

بحث اشتراک معنا در ریشه، گرچه در جای خود صحیح است، ولی ربطی به اشتراک معنوی در واژگان ندارد. با توجه به سخنان و نحوه عملکرد افرادی، چون صاحب التحقیق، به دست می‌آید که مرادشان از اشتراک معنوی، وجود قدر مشترک بین معانی همه صیغه‌های یک ریشه است؛ اما مراد از بحث اشتراک معنوی، بررسی مصادیق هریک از این مشتقات در مواضع مختلف قرآن است؛ یعنی هریک از این مشتقات می‌توانند به تنهایی مشترک معنوی باشند.

۳-۱-۳-۲- مبنای چندمعنایی

بر طبق این معنا، مشترک معنوی معادل چندمعنایی است؛ یعنی وجود معانی متعدد مرتبط با هم در یک واژه. این مبنا نادرست است؛ زیرا اولاً چندمعنایی با معانی کاربردی در ارتباط است و ثانیاً تعدد معنایی در پدیده اشتراک لفظی مطرح است. معانی متعدد در اشتراک معنوی، در حقیقت مصادیق یک مفهوم هستند.

۳-۱-۳-۳- مبنای شمول معنایی

بر این اساس، اولاً بحث ارتباط بین مفاهیم مطرح است و ثانیاً معنای مشترک معنوی بر بخشی از معنای مصادیقش صادق است و دیگر بحث تمامیت معنا بین مشترک معنوی با مصادیقش مطرح نیست. شمول معنایی، بخشی از حقیقت اشتراک معنوی است، در نتیجه این برداشت به تنهایی صحیح نیست.

۳-۱-۳-۴- مبنای قدر مشترک

بر اساس این مبنا، اشتراک معنوی به معنای وجود معنای جامع بین معانی متعدد یک واژه است. وجود معنای جامع در این پدیده قابل پذیرش است، ولی بین مصادیق، نه بین معانی متعدد یک واژه.

۳-۱-۳-۵- مبنای مفهوم و مصداق

مطابق با این مبنا، اشتراک معنوی، وجود یک مفهوم عام با مصادیق متعدد است که این مصادیق در همه حقیقت معنا با آن مفهوم عام و نیز با یکدیگر شریکند.

غیر از مبنای اول (اشتقاق صغیر) که ربطی به اشتراک معنوی واژگان ندارد، سایر مبناها ناظر به بخشی از حقیقت اشتراک معنوی هستند. از آن جا که اصل، در اشتراک معنوی، وجود یک مفهوم عام و کلی است که مصادیق متعددی دارد که هر یک در آن مفهوم عام شریکند (مفهوم و مصداق)، معادل قرار دادن اشتراک معنوی با شمول معنایی صحیح نیست؛ زیرا در زبان‌شناسی، شمول معنایی، یکی از روابط مفهومی بین دو واژه است و در علم منطق نیز شمول معنایی یکی از نسب اربعه با عنوان عموم و خصوص مطلق است، در حالیکه در اشتراک معنوی، ما با یک مفهوم عام سر و کار داریم، نه با دو مفهوم.

وجود معنای جامع بین معانی مختلف یک واژه، در صورتیکه تداعی‌کننده چندمعنایی باشد، نیز درست نیست؛ اما با توجه به یک نکته می‌توان بین این تعاریف را جمع کرد که در این صورت ضمن تبیین چیرستی اشتراک معنوی به رفع نزاع‌هایی که در زمینه مشترک معنوی بودن یا نبودن بسیاری از واژگان وجود دارد، کمک می‌شود. آن نکته این است که یک مفهوم عام می‌تواند شامل مصادیقی باشد که خود این مصادیق می‌توانند مفاهیم عامی باشند که تحت آن قرار گرفته‌اند و در بخشی از معنا با آن اشتراک دارند و هر یک از آن مصادیق عام می‌توانند شامل مصادیق خاصی باشند که در تمام معنا با آن اشتراک داشته و در عالم خارج عینیت دارند. مثال زیر گویای این حقیقت است.

واژه آیه، یک مفهوم عام به معنای علامت و نشانه است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۴۴۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۰۱).

یکی از مصادیق این واژه (و نه معانی آن) نشانه طبیعی است؛ نظیر: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِلَافِ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَأْنِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (روم/۲۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ۱۶۷).

مصدق دیگر آیه، معجزه است؛ مانند: ﴿هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ قَدَرُوهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ﴾ (اعراف/۷۳) مراد از «آیه» در این جا معجزه است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۶۷۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۱۸۱).

باید توجه داشت که اولاً دو مصداق مذکور، خودشان مفاهیم عامی هستند که دارای مصادیق فراوانند که حاکی از شمول معنایی است؛ ثانیاً معنای آیه در آن‌ها درج شده و گرنه نشانه طبیعی و معجزه، هرکدام معنای خاص خود را دارند؛ ولی به هر حال همگی در معنای آیه که همان نشانه است، مشترکند و این همان برگرداندن معانی یک واژه به یک معنای جامع است؛ ثالثاً هرکدام از این مصادیق که مفاهیم عامی هستند، مصادیقی دارند که هم به تمام معنای‌شان دلالت دارند و هم در عالم خارج واقع شده‌اند و این همان مفهوم و مصداق است. در این مثال، معجزه به عنوان یک مفهوم کلی در عالم خارج وجود ندارد، ولی ید بیضاء که تمام معنای واژه معجزه در آن مندرج است، یک مصداق عینی معجزه است؛ مانند انسان که به عنوان یک مفهوم کلی در عالم خارج وجود ندارد، ولی زید، که مصداق جزئی آن است، در عالم خارج وجود دارد.

بر اساس مطالب فوق، روشن می‌شود که چرا در حقیقت اشتراک معنوی، خلط صورت گرفته به طوری که برخی از زبان‌شناسان، آن را معادل شمول معنایی می‌دانند و برخی معادل چندمعنایی. این دو مورد را با همان مثال آیه توضیح می‌دهیم.

در این مثال، رابطه واژه آیه با معجزه و نشانه طبیعی، رابطه عموم و خصوص مطلق است؛ چون مفهوم عام آیه در تمام مصادیق این دو مفهوم گنجانده شده (شمول معنایی) و اما از آن جا که معنای آیه در مصادیق خود درج شده، ولی وحدت معنا به طور کامل وجود ندارد (معنای آیه، تمام معنای معجزه و آیه طبیعی نیست، بلکه هریک از این‌ها در بخشی از معنای‌شان با معنای آیه اشتراک دارند؛ یعنی هر معجزه‌ای، آیه است ولی هر آیه‌ای، معجزه نیست). آیه واژه‌ای چندمعنا تلقی شده و در نتیجه اشتراک معنوی معادل چندمعنایی محسوب می‌شود، ولی با توجه به اینکه مصادیق عام آیه در معنای جامع «نشانه»، مشترکند و «نشانه»، قدر مشترک آن‌ها محسوب می‌شود، اطلاق چندمعنایی یا

مشترک لفظی صحیح نیست. از سوی دیگر هر کدام از مصادیق دو مفهوم عام نشانه طبیعی و معجزه، مصادیقی در عالم خارج دارند؛ بنابراین رابطه بین دو مفهوم صحیح نیست و مثلاً نمی‌توان گفت که بین معجزه و ید بیضاء رابطه عموم و خصوص مطلق برقرار است. پس اشتراک معنوی همیشه شمول معنایی نیست. مفهوم عام معجزه بر حسب اینکه مربوط به کدام یک از انبیاء بوده، قابل تقسیم است؛ مثلاً معجزات حضرت موسی (ع)، معجزات حضرت عیسی (ع) و معجزات پیامبر اسلام (ص) که باز هم مفاهیم عام هستند؛ اما اگر بگوییم که معجزات حضرت موسی (ع) عبارتند از: تبدیل عصا به اژدها، ید بیضاء، شکافته شدن دریا و جوشیدن دوازده چشمه با جزئی‌های حقیقی از آن مفهوم کلی آیه روبرو هستیم که مصادیق خارجی آیه‌اند که گرچه مفهوم آیه را می‌رسانند ولی با مفهوم معجزه هم‌پوشانی دارند.

مصادیق مفهوم عام آیه ۱۵



۳-۱-۴- باز تعریف اشتراک معنوی

از نقد و بررسی تعاریف اشتراک معنوی و جمع‌بندی آن‌ها می‌توان به تعریفی کامل‌تر و روشن‌تر دست یافت.

در اشتراک معنوی، لفظی داریم که دارای یک مفهوم کلی است که آن مفهوم کلی در همه مصادیق آن جاری است و با آن‌ها رابطه اشتراک و افتراق برقرار می‌کند. هر یک از این مصادیق ویژگی‌هایی دارند که دیگری فاقد آن است، ولی همه آن‌ها با یک اشتراک

معنایی به هم پیوند می‌خورند و در معنای جامع، وحدت دارند. مفهوم جامع بین مصادیق، قدر جامع یا قدر مشترک یا هسته معنایی نام دارد. بر این اساس، مشترک معنوی، عبارت است از لفظی با یک مفهوم کلی، حقیقی، جامع و برخوردار از وضع واحد که دارای مصادیق متعدد است که در آن مفهوم عام، حقیقی و جامع مشترک هستند؛ ولی هریک خصوصیتی دارد که آن را از مصداق دیگر جدا می‌کند تا تعدد مصادیق حاصل شود؛ بنابراین اگر معنای یک لفظ بین مصادیق فراوان مشترک باشد و هیچیک در جمله، نتواند به جای دیگری به کار رود، اشتراک معنوی رخ داده است. در قرآن از اینگونه الفاظ فراوان به کار رفته است؛ مانند: ذکر، هدی، آیه، انسان، صبر، ظلم، کتاب، رسول، نبی، امام و ارض.

به عنوان نمونه، منظور از «رسول»، در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء/۵۹)، حضرت محمد (ص) است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۴۰۱). در حالیکه مصداق آن در آیه ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ (تکویر/۱۹)، جبرئیل است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴: ۷۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۶۷۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲۰: ۲۱۸). نمونه دیگر، واژه ذکر است که مصداق آن در آیه ﴿إِنَّا نَحْنُ نُذَكِّرُ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر/۹)، قرآن است (طبرسی، ۱۳۷۲، حج ۶: ۵۰۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ۵۷۲)؛ ولی جمعی از مفسران، مصداق آن را در آیه ﴿لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء/۱۰۵)، تورات می‌دانند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳: ۱۳۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۱۰۶).

مثال دیگر، واژه «ارض» است که مصداقش در آیه ﴿فَلَنْ أُبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكَمَ اللَّهُ لِي﴾ (یوسف/۸۰)، سرزمین مصر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۴۷)؛ ولی مقصود از آن در آیه ﴿وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا﴾ (اسراء/۷۶)، مکه است (همان، ج ۱۲: ۲۱۸).

یکی از موارد کارآمد و مؤثر، تعیین مصادیق واژگان معنوی، رفع اختلافات تفسیری ناشی از مصداق است؛ چرا که بسیاری از اختلافات کلامی، فقهی و غیره با وجود روشن

بودن معنای آیه، ناشی از اختلاف در تعیین مصداق است. به عنوان مثال گرچه معنای «أُولِي الْأَمْرِ»، در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء/۵۹)، روشن است، ولی محور اصلی اختلاف در تفسیر فریقین، مصداق آن می‌باشد. از منظر شیعه، مصداق «أُولِي الْأَمْرِ»، ائمه (ع) هستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۱۰۰؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۴۰۱)؛ لیکن اهل سنت، مصادیق دیگری نظیر حاکمان بر حق را ذکر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱: ۵۲۴).

همانگونه که ملاحظه می‌شود، واژه مشترک معنوی «أُولِي الْأَمْرِ»، مفهوم عامی است که گرچه می‌تواند مصادیق بیشماری داشته باشد ولی در آیه مذکور، تنها یک مصداق، مورد نظر است و این اهمیت اشتراک معنوی را ثابت می‌کند. با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از واژگان قرآن، مشترک معنوی هستند، غفلت از بحث اشتراک معنوی و عدم توجه به تعیین مصادیق، ضمن ایجاد ابهام، گاه به جولانگاه جعل و تفسیرهای ناروا نیز می‌انجامد.

علامه طباطبایی نیز، در مقدمه تفسیر المیزان، متذکر شده است که بسیاری از اختلافات تفسیری از ناحیه معنای کلمات ایجاد نشده، بلکه ناشی از اختلاف در مصداق کلمات است؛ چرا که، هر مذهب و مسلکی، کلمات قرآن را بر مصداقی حمل کرده که دیگری قبول ندارد. فردی از مدلول تصویری و تصدیقی کلمه، چیزی فهمیده و دیگری را درک کرده است (۱۳۹۰، ج ۱: ۹).

پرونده‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال هفتم
تال جامع علوم انسانی

۳-۲- اقسام اشتراک معنوی
اشتراک معنوی، به سه اعتبار قابل تقسیم است.

۳-۲-۱- تقسیم اشتراک معنوی بر حسب ریشه واژه یا خود واژه
بحث اشتراک معنوی یا مربوط به ریشه واژگان است یا مربوط به وجوه و نظائر.

۳-۲-۱-۱- اشتراک معنوی در ریشه واژه

این حالت، مربوط به وجود قدر مشترک بین معانی همه صیغه‌ها و واژگان خویشاوند یک ریشه است (اشتقاق صغیر).

۳-۲-۱-۲- اشتراک معنوی در واژه

این حالت، از اشتراک معنوی مربوط به وجود قدر مشترک بین مصادیق یک واژه با حروف و حرکات یکسان است.

۳-۲-۲- تقسیم اشتراک معنوی بر حسب میزان اشتراک در معنا و نوع مصداق

مشترک معنوی، با مصادیقش یا در تمام معنا اشتراک دارد یا در بخشی از معنا. مصادیق آن نیز یا مفهوم کلی هستند یا جزئی. به بیانی دیگر، مشترک معنوی، می‌تواند با مصادیق خود انطباق کامل معنایی داشته باشد یا نداشته باشد. همچنین مصداق آن می‌تواند جزئی اضافی باشد یا جزئی حقیقی. به بیانی ساده‌تر، در اشتراک معنوی یا مفهوم عام در تمام معنا با مصادیق، اشتراک دارد یا در بخشی از معنا و نیز با مصادیق آن عینی است یا خیر. در این صورت، چهار حالت برای اشتراک معنوی متصور است:

الف) تمامیت معنا (انطباق کامل معنایی)، مصداق خارجی: در این حالت مفهوم عامی، مصادیق خارجی‌ای دارد که به تمام معنا بر آن‌ها صدق می‌کند. رابطه بین مشترک معنوی و مصادیقش در این حالت، رابطه مفهوم و مصداق است؛ مثل انسان که مصادیقی چون علی، حسن، مریم و..... دارد. نمونه دیگر، معجزه است که مصادیقی همچون قرآن، ید بیضاء، شفای نابینای مادرزاد و ناقه صالح (ع) دارد.

ب) عدم تمامیت معنا، مصداق خارجی: در این مورد نیز رابطه مفهوم و مصداق برقرار است؛ ولی مفهوم عام به تمام معنا بر مصادیق خود که جزئی‌های حقیقی‌اند؛ صدق نمی‌کند؛ مثل حیوان و مصادیقش زید، خالد. مثال دیگر، واژه آیه است که مصداقش قرآن، ید بیضاء و جز آن است.

ج) تمامیت معنا، مصداق غیر عینی (مفهوم شامل): در این حالت، رابطه بین مشترک معنوی و مصادیقش شمول معنایی است؛ مثل انسان که مصادیقش سفید پوست یا زرد پوست یا سیاه پوست است که هر یک، مفهوم کلی هستند. مثال دیگر، معجزه است که مصادیقش، معجزه حسی است یا معجزه جاودان یا معجزه اقتراحی.

د) عدم تمامیت معنا، مصداق غیر عینی: در این مورد، رابطه عموم و خصوص، مطلق است و مفهوم عامی بر جزئی‌های اضافی که خود مفاهیم کلی هستند، صدق می‌کند. در این حالت، مصادیق مفهوم عام در بخشی از معنای‌شان با آن شریکند که در نتیجه مصادیق نیز، در بخشی از ذات و حقیقت خود مشترکند؛ مانند حیوان و مصادیقش انسان، اسب و پرنده.

۳-۲-۳- تقسیم‌بندی به اعتبار توافق یا عدم توافق در مصادیق

در منطق، ابتدا مفاهیم به جزئی و کلی تقسیم می‌شوند و سپس مفاهیم کلی را به متواطی و مشکک تقسیم می‌کنند.

۳-۲-۱-۳- مشترک معنوی متواطی

«تواطؤ»، به معنای موافقت و همراهی در امری است (ابن فارس، ۱۴۱۴، ج ۶: ۱۲۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۷۴). در مشترک معنوی متواطی، صدق مفهوم بر افراد آن یکسان است؛ مثلاً زید و خالد که مصادیق مختلف انسان هستند، از جهت انسان بودن با هم یکسانند و اینگونه نیست که انسان بودن یکی، شدیدتر از دیگری باشد و اگر تفاوتی بین افراد هست، در امور دیگری غیر از انسانیت است، مانند تفاوت در قد، رنگ، نیرو، سلامت، اخلاق و غیر آن (مظفر، ۱۳۸۱: ۷۱).

۳-۲-۲-۳- مشترک معنوی مشکک

مشکک، در لغت به معنای نقیض الیقین (عدم قطعیت) است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۴۵۱). در حالت کلی مشکک، صدق مفهوم بر مصادیق آن متفاوت است. این تفاوت

«تشکیک» نام دارد؛ مثلاً مفهوم کلی «سفیدی» که مصادیق آن مانند سفیدی برف و سفیدی کاغذ است، از لحاظ صدق مفهوم سفیدی بین آن‌ها تفاوت وجود دارد، بدین نحو که صدق مفهوم سفیدی در برف، شدیدتر از صدق آن در کاغذ است، با آن که هر دو سفیدند (مظفر، ۱۳۸۱: ۷۱).

مشکک، یعنی به شک اندازنده. برخی از مفاهیم کلی، انسان را به شک می‌اندازد که آیا مشترک لفظی هستند یا معنوی؛ چرا که از یک جهت افراد در آن مشترکند و از جهت دیگر متفاوتند (سربخشی، ۱۳۸۷: ۱۳).

۳-۳- مؤلفه‌های اشتراک معنوی

«الف»، یعنی اجتماع یا پیوستن به جمع و مؤلف، چیزی است که از اجزاء مختلف به صورتی منظم، مرتب شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱)؛ از این رو، مؤلفه یک چیز، اجزای تشکیل دهنده آن است که بدون داشتن آن‌ها نمی‌توان آن را تجزیه و تحلیل کرد. با توجه به بازتعریف اشتراک معنوی، هفت مؤلفه مهم برای آن به شرح زیر مطرح است:

۱- کلی و عام بودن معنا ۲- وحدت معنا ۳- حقیقی بودن معنا ۴- جامعیت معنا ۵- وضع واحد ۶- تعدد مصادیق ۷- تمایز مصادیق.

۳-۳-۱- کلی و عام بودن معنا
مفهوم الفاظ مشترک معنوی، قابل صدق بر افراد بسیارند و همه مصادیق در آن معنای کلی و عام اشتراک دارند.

۳-۳-۲- وحدت معنا

مراد از وحدت معنا، یک معنا با مصادیق متعدد است، نه یک لفظ با معانی متعدد. در قرآن، مصداق واژه عام «قوم» در آیه ﴿إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ﴾

عَنْكُمْ ﴿ (مائده/۱۱)، یهود بنی نضیر (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۶۲) و در آیه ﴿قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ﴾ (مائده/۲۲)، عمالقه، بیان شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۳۳۹).

۳-۳-۳- حقیقی بودن معنا

معنای واژگان مشترک معنوی در جمله، حقیقی هستند، نه معانی مجازی و کاربردی. هر لفظی می‌تواند معانی مجازی داشته باشد (مظفر، ۱۳۸۱: ۴۸)؛ مثل واژه عام «رزق» که در آیه ﴿وَ يُنَزَّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا﴾ (غافر/۱۳)، در معنای مجازی به کار رفته و از باب اطلاق مسبب بر سبب است؛ یعنی از آسمان، بارانی نازل کردیم که از آن روزی به دست می‌آید، در حالیکه، همین واژه در آیه ﴿كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا﴾ (آل عمران/۳۷)، در معنای حقیقی به کار رفته است.

۳-۳-۴- جامعیت معنا^[۶] (وجود قدر مشترک در مصادیق)

در اشتراک معنوی، معنای حقیقی لفظ، همان مفهوم عام و واحد بین مصادیق متعدد است (رجبی، ۱۳۸۳: ۶۷؛ قدور، ۱۹۹۹: ۳۸۵). جامع، در این جا بدین معناست که مصادیق فراوانی ذیل یک معنا جمع می‌شوند. به عنوان نمونه، «ذکر»، به معنای خلاف نسیان یعنی «به یاد داشتن» است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۲: ۶۶۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۵۸).

۳-۳-۵- وضع واحد

در اشتراک معنوی با وضع واحد سر و کار داریم؛ زیرا در این پدیده، صحبت از مصادیق متعدد است، نه معانی متعدد؛ بر خلاف اشتراک لفظی که هریک از معانی آن دارای وضع مستقل است؛ مثل واژه دین به معنای داوری که یک واژه اصیل عربی با تبار شناخته شده در زبان‌های سامی است (Gesenius, 1939: 192)، همین واژه، به معنای آیین که اصل آن فارسی است، مدت‌ها پیش از اسلام، به عنوان وام‌واژه وارد عربی شد (پورداوود، ۱۳۰۹،

ج ۲: ۱۵۹) و واحد بودن این دو واژه از نظر هم‌آوا-هم‌نویسی، شرایط اشتراک لفظی آن را در زبان عربی فراهم کرده است (پاکتچی، ۱۳۹۵: ۱۸۷).

۳-۳-۶- تعدد مصادیق

در این پدیده، مصادیق فراوان و حتی بی‌نهایت می‌تواند وجود داشته باشد؛ مانند قرآن، نهج البلاغه، تورات و... که مصادیق واژه عام کتاب هستند.

۳-۳-۷- تمایز مصادیق

مصادیق اشتراک معنوی یکی نیستند؛ مثل کتاب که گاهی مصداقش قرآن است و گاهی تورات و گاهی انجیل و این سه کتاب کاملاً از هم متمایزند.

۳-۴- ویژگی‌های اشتراک معنوی

مراد از ویژگی‌های اشتراک معنوی، خصوصیتی است که آن را از اشتراک لفظی، چندمعنایی، اشتقاق صغیر و وجوه و نظائر، متمایز می‌سازد. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: الف) مشترک معنوی، به عنوان کلی منطقی بر افراد قابل حمل است؛ مثل حمل انسان بر حسن و حسین (طوسی، ۱۳۶۷: ۱۹).

ب) در اشتراک معنوی، با از دست رفتن چند مصداق، خللی به کلی بودن آن وارد نمی‌شود؛ چرا که در منطق، ثابت شده که حتی اگر تمام افراد کلی از دست بروند، خللی به کلی بودن آن وارد نمی‌شود؛ یعنی وجود کلی وابسته به وجود جزئیات و افراد خارجی نیست (همان). مثل مفهوم اجتماع نقیضین و ضدین که تحقق فرد و مصداق برای اینگونه مفاهیم به حکم عقل محال است (صدرای شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۴۳).

ج) مشترک معنوی، وضع متعدد ندارد (فضلی، ۱۴۲۷: ۴۷۲).

د) مشترک معنوی، قابل صدق بر مصادیق فراوان است (مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۸۳).

هـ) مشترک معنوی، قابلیت انقسام دارد؛ مثلاً انسان یا سفید است یا سیاه یا زرد؛ ولی در مشترک لفظی تقسیم کردن، نادرست است؛ مثلاً ممکن نیست کسی بگوید شیر بر دو قسم است، یکی در بیابان و دیگری سر حوض (مطهری، ۱۳۹۳، ج ۹: ۴۴).

و) در اشتراک معنوی، قدر مشترکی در میان مصادیق وجود دارد؛ مانند معنای جامع «هرگونه خیر و نیکی» برای تمام مصادیق واژه «احسان» در آیه ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ (رحمن/۶۰) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶: ۵۸۶) که مؤید مشترک معنوی بودن آن است.

ز) معنای مشترک معنوی، معنای واحد عامی است که فهمیدن آن نیاز به قرینه‌ای ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۸۳) و اگر قرینه‌ای بر تعیین یکی از مصادیق اشتراک معنوی نباشد، لفظ مجمل نشده، بلکه معلوم می‌شود که مراد گوینده، نفس معنای لفظ مشترک معنوی است (بابایی، ۱۳۸۷: ۱۱۲)؛ مثل مصداق واژه «فرقان» در آیه ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان/۱) که قرآن است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۱۷۳)؛ اما در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّبِعُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا﴾ (انفال/۲۹)، مصداق معینی ندارد و در همان مفهوم کلی خود، یعنی نیروی تشخیص حق از باطل به کار رفته است (همان: ۵۶).

۴- نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث طرح شده، رهیافت‌های این تحقیق به شرح زیر است:

۱- حقیقت اشتراک معنوی، صدق یک مفهوم کلی بر مصادیق آن است که با آن‌ها رابطه اشتراک و افتراق برقرار می‌کند. هر یک از این مصادیق ویژگی‌هایی دارد که دیگری فاقد آن است؛ ولی همه آن‌ها با یک اشتراک معنایی به هم پیوند می‌خورند. اشتراک معنوی، در جمله دو نوع کاربرد دارد: معنای لغوی و معنای مصداقی. گاه همان مفهوم کلی مراد است و نظری به هیچ مصداقی ندارد و گاه مصداق خاصی از آن مفهوم کلی مورد نظر است.

- ۲- مهمترین مؤلفه‌های اشتراک معنوی عبارتند از: کلی و عام بودن معنا، وحدت معنا، حقیقی بودن معنا، جامعیت معنا، وضع واحد، تعدد مصادیق و تمایز مصادیق.
- ۳- اهم ویژگی‌های اشتراک معنوی عبارتند از: وضع واحد، قابل حمل بودن بر افراد خود، قابلیت انقسام، قابل صدق بر مصادیق بی‌نهایت و عدم نیاز به وجود قرینه لفظی برای فهم معنای آن.

۵- پی‌نوشت‌ها

- ۱- شمول معنایی (Hyponymy) رابطه میان یک مفهوم و مفاهیم تحت شمول آن است. برای مثال، مفهوم «گل»، شامل مفاهیم «لاله»، «سنبل» و «میخک» و امثال آن می‌شود؛ از این رو گل، واژه شامل (hypernym) است و لاله، سنبل و میخک، واژگان زیر شمول (hyponym) هستند و این زیر شمول‌ها سبب به هم، واژگان هم شمول (cohyponym) نامیده می‌شوند (صفوی، ۱۳۹۰: ۹۹ و ۱۰۲).
- ۲- معناشناسان متقدم به مرز مشخصی میان مشترک لفظی و چند معنایی قائل نبودند و مقصودشان از مشترک لفظی، کلمه‌ای بود که در عبارات مختلف، معانی متفاوتی داشته باشد خواه بین آن معانی رابطه‌ای باشد یا نباشد؛ اما زبان‌شناسی نوین بین این دو تفاوت قائل است. با توجه به تعاریف این دو پدیده در زبان‌شناسی اسلامی و زبان‌شناسی نوین، اشتراک لفظی (هم‌آوا-هم‌نویسی) عبارت است از وجود دو یا چند واژه با لفظ یکسان و ساختار تاریخی غیر مشترک (وضع تعیینی متعدد) یا ساختار تاریخی مشترک فراموش شده (وضع تعیینی) که بر معانی غیر مرتبط با هم دلالت می‌کنند در حالی که چند معنایی عبارت است از وجود یک واژه با لفظ یکسان که در بافت‌های متفاوت بر معانی متعددی دلالت می‌کند که آن معانی از نظر مفهومی با یکدیگر ارتباط و مناسبتی دارند. این معانی، برآمده از بافت و ناشی از محور هم‌نشینی هستند و شامل پدیده‌های مجاز و استعاره هم می‌شود. مثل کاربرد «حیل» به معنای ریسمان در معنای استعاری پیمان؛ اما اگر وجود ارتباط و مناسبت بین معانی به دلیل وجود معنای جامع (قدر مشترک) بین آن‌ها باشد، اطلاق چند معنایی صحیح نیست.
- ۳- زبان خودکار، زبانی است که به صورت روزمره برای ایجاد ارتباط همگانی به کار می‌رود (صفوی، ۱۳۹۰: ۳۱).
- ۴- بین دو شیء از نظر مشابهت ذاتی سه نوع تمایز وجود دارد: نخست این که دو شیء هیچ مشابهتی در حقیقت ذات خود ندارند؛ مانند سفیدی و تندی. دوم این که دو شیء در بخشی از ذات خود مشترک‌اند؛ مانند اسب و فیل که در حیوانیت مشترک‌اند و سوم آن که در حقیقت خود مشترک‌اند و

تفاوت‌شان ناشی از امور خارج از ذات است (عرضی)؛ مانند تفاوت زید و خالد که در انسانیت اشتراک دارند (سوزنجی، ۱۳۸۴: ۹۸).

۵- لازم به ذکر است که نمودار فوق به منظور تبیین چیرستی اشتراک معنوی رسم شده است؛ از این رو، در صدد نمایش تمام مفاهیم آیه و مصادیق آن نیست.

۶- مراد از معنای جامع، همان مفهوم عام یا قدر مشترک بین معانی است؛ مثلاً معنای جامع «آیه» نشانه است که در تمام مصادیق آن جاری است.

۶- منابع

* قرآن کریم

۱- ابن جوزی، ابوالفرج، *نزهة الاعین النواظر فی علم الوجوه و النظائر*، بیروت: موسسه الرساله، (۱۴۰۴ق)

۲- ابن سینا، ابو علی حسین بن عبدالله، *الشفاء*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، (۱۴۰۴ق).

۳- -----، *رسائل*، قم: بیدار، (۱۴۰۰ق).

۴- ----- *عیون الحکمه*، بیروت: دارالقلم، (۱۳۵۹ش).

۵- ابن فارس، احمد، *الصاحبی فی فقه اللغة العربیة*، بیروت: مکتبه المعارف، (۱۴۱۴ق).

۶- -----، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

۷- ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم، *تأویل مشکل القرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیه، (۲۰۱۰م).

۸- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، (۱۴۱۴ق).

۹- افراشی، آریتا و صامت، سید سجاده، «چند معنایی نظام‌مند با رویکردی شناختی»، ادب پژوهی، شماره ۳۰، (۱۳۹۳ش).

۱۰- امامی، صابر، «هم معنایی و چند معنایی در نظام زبان»، نشریه مطالعات اجتماعی دانشکده ادبیات دانشگاه آتاتورک، شماره ۵۶، ۲۰۱۶م.

۱۱- بابایی، علی اکبر و همکاران، *روش‌شناسی تفسیر قرآن*، تهران: سمت، (۱۳۸۷ش).

۱۲- باقری اصل، حیدر، *اصول مفردات قرآن کریم*، تبریز: دانشگاه تبریز، (۱۳۹۱ش).

۱۳- پاکتچی، احمد، *ترجمه‌شناسی قرآن کریم*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، (۱۳۹۵ش).

- ۱۴- پالمر، فرانک. ر، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران: نشر مرکز، (۱۳۹۱ش).
- ۱۵- پوردوود، ابراهیم، یادداشت‌ها بر یشتها، همراه یشتها، بمبئی، انجمن زرتشتیان ایرانی، (۱۳۰۹ش).
- ۱۶- تفتازانی، مسعود بن عمر، تهذیب المنطق، ترجمه و شرح: حسن ملکشاهی، تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۶۴ش).
- ۱۷- جعفری، یعقوب، «ضرورت شناخت وجوه و نظائر در ترجمه قرآن کریم»، ترجمان وحی، شماره ۴، (۱۳۷۷ش).
- ۱۸- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دارالعلم للملایین، (۱۴۱۰ق).
- ۱۹- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون، بیروت: دارالفکر، (۱۴۰۲ق).
- ۲۰- خراسانی، محمد کاظم، کفایة الاصول، قم: موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، (۱۴۰۹ق).
- ۲۱- خوانساری، محمد، منطق صوری، تهران: آگاه، (۱۳۷۴ش).
- ۲۲- ذهنی تهرانی، سیدمحمدجواد، المباحث الاصولیه، قم: مولف، (۱۳۷۱ش).
- ۲۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم، (۱۴۱۲ق).
- ۲۴- رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، (۱۳۸۳ش).
- ۲۵- رحیمیان، جلال، ساخت زبان فارسی، شیراز: دانشگاه شیراز، (۱۳۸۹ش).
- ۲۶- زمخشری، محمد بن عمر. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، (۱۴۰۷ق).
- ۲۷- سالم، عبدالعال، المشترك اللفظی فی ضوء غریب القرآن، کویت: مطبوعات جامعه الکویت، (۱۹۹۴م).
- ۲۸- سربخشی، محمد، «تشکیک در سه مکتب فلسفی»، معرفت فلسفی، سال ۵، شماره ۴، (۱۳۸۷ش).
- ۲۹- سوزنچی، حسین، «تاریخچه نظریه تشکیک وجود»، رهنمون، شماره ۱۱ و ۱۲، (۱۳۸۴ش).
- ۳۰- سیبویه، عمرو بن عثمان، الکتاب، قاهره: مکتبه الخانجی، (۱۹۸۸م).

- ۳۱- شهبازی، محمود، «پدیده اشتراک لفظی و چندمعنایی در زبان عربی»، *ادب عربی*، سال ۷، شماره ۲، (۱۳۹۴ش).
- ۳۲- شیرزاد، محمد حسن و همکاران، «چندمعنایی ریشه‌ای ر ب و؛ ر ب ب در قرآن کریم»، *پژوهش‌های ادبی- قرآنی*، دوره ۵، شماره ۲، (۱۳۹۶ش).
- ۳۳- صدرای شیرازی، محمد بن ابراهیم، *الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة*، بیروت: داراحیاء التراث، (۱۹۸۱م).
- ۳۴- ----- ، *تفسیر القرآن الکریم*، قم: بیدار، (۱۳۶۱ش).
- ۳۵- ----- ، *منطق نوین*، ترجمه و شرح عبدالحسن مشکوه الدینی، تهران: آگاه، (۱۳۶۲ش).
- ۳۶- صفوی، کوروش، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران: سوره مهر، (۱۳۹۰ش).
- ۳۷- ----- ، «نگاهی تازه به مسئله چندمعنایی واژگانی»، *نامه فرهنگستان*، شماره ۱۸، (۱۳۸۰ش).
- ۳۸- طباطبایی، سیدمحمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، (۱۳۹۰ق).
- ۳۹- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی علوم القرآن*، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).
- ۴۰- طوسی، ابوجعفر محمد (خواجه نصیرالدین)، *اساس الاقتباس*، تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۶۷ش).
- ۴۱- ----- ، *مصارع المصارع*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، (۱۴۰۵ق).
- ۴۲- طیب حسینی، سید محمود، *درآمدی بر دانش مفردات قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، (۱۳۹۶ش).
- ۴۳- علوی، سید محمد کاظم، «خاستگاه مسئله تشکیک وجود»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، شماره ۳۹، (۱۳۸۳ش).
- ۴۴- فائز، قاسم، *علوم البلاغه*، تهران: سمت، (۱۳۸۸ش).
- ۴۵- فارابی، ابونصر محمد، *الامکنه المعاطة: المنطق عند الفارابی*، بیروت: دارالمشرق، (۱۹۸۶م).

چیستی، مؤلفه‌ها و واژگان مشترک معنوی در قرآن کریم _____ مریم گوهری و قاسم فائز

- ۴۶- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، (۱۴۰۹ق).
- ۴۷- فضلی، عبدالهادی، دروس فی اصول فقه الامامیه، بیروت: الغدیر، (۱۴۲۷ق).
- ۴۸- فیروزآبادی، مجدالدین محمد، بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز، قاهره: وزارة الاوقاف، (۱۴۱۶ق)
- ۴۹- قدور، احمد محمد، مدخل الی فقه اللغة العربیة، لبنان: دارالفکر، (۱۹۹۹م).
- ۵۰- قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۱ش).
- ۵۱- محقق، مهدی و ایزوتسو، توشی هیکو، منطق و مباحث الفاظ، تهران: دانشگاه تهران، (۱۳۵۳ش).
- ۵۲- مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، (۱۳۶۴ش).
- ۵۳- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، (۱۳۶۸ش).
- ۵۴- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران: صدرا، (۱۳۹۳ش).
- ۵۵- مظفر، محمد رضا، المنطق - ط جماعه المدرسین، قم: موسسه النشر الاسلامی، (۱۳۸۱ش).
- ۵۶- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۱ش).
- ۵۷- نیازی، شهریار و حاجی زاده، مهین، «پدیده چندمعنایی در زبان عربی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، دوره ۵۷، شماره ۱، (۱۳۸۵ش).
- 58- Gesenius, W.A *Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*. Brown Oxford: Clarwndon (1939).
- 59- Saeed, J.I. *Semantics*. Oxford: Blackwell (2003).